

صاحب امتیاز  
و مدیر مسئول  
دکتر اسمعیل  
اردلان.

# کوهستان

بهیچ حزب  
دسته یاجمعیتی  
بستگی ندارد

تک شماره ۴۰۰ ریال

شنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۲۴

سال اول - شماره ۱۳

## یک هفته دیگر هم گذشت

ازمنتهج

بنام آقای ناصر آزادبورد

### خطر کردی

زبانیکه امروز در کلیه نقاط کردستان با همه اعتراضات فانی دولت ولایحه «مادول است» زبانیتکه به بنده بر برگزین معقن زبانشناسی بی کینسال بوده و از روزگار قدیم دارای ادبیاتی بسیار عالی، عری، فراوان و پرجام میبانه..

از ادبیاتیکه در فصاحت و مبالغات «مثر و منظومیکه تحت عنوان نون درانه ارجند کوهستان چاپ میشود میوهامیم پایه و ارزش واقعی کسب در امان دعیم بیورد نیست که «منا» بغور غلامه و میند خواوندگان غیر مانوس را بهخط و ویژه کردی آشنانه نیم.

زیرا خوانان و نوشتن درست زبان کردی بهخطوط عربی و فارسی، بس مشکل، برای کسانیکه معلوماتی از درجه ادبیات شیرین کردی ندارند غیر ممکن و حتی از محال است.

خط مستعمل کردی امروز در نوع است: «تپ کردی لاتین و تپ کردی عربی» که هر دو قسم در نوع خود آخرین حد تکامل و ترقی خط بشمار میره.

تپ کردی لاتین، بقدری ساده و آسان است که در ظرف چندین ساعت، هر شخص مبتدی میتواند بدون ارتکاب غلط عبارات معمولی را نوشته باقران کند.

این خط مورد استعمال کردها «دانشگاههای شوروی» لیتوان، سوئیه، ترکیه و قسمتی از ایران است و مجلات و روزنامههای کثیرالانتشار و معروفی مثل: «روزنامه» «Riv-niz» «مادار» «Haxar» «دورواژ» «NA» «Boji» «دردان» «Rouhi» «Haxar» «دورواژ» نوشته میشوند. نوشته این خط اینست:

pekat ewe g' in dit' ne hi jiang, y kall'  
Etkè lo bi n' ne tiktikxw' n' n'!

(پیکت چه رنگ دله، برژانگی گاه،  
هتکنگی له ژیم تپ نکت بنوئینی آل ا)

اما تپ کردی معمولی که همان خط کردی عربست و امروز در میان کردهای ایران و عراق رایج است، این نیزها نظور «کنه شد» «مبارک آسان و فراگرفتیش برای اشخاص بی سلیقه است» از خطوط عربی با فارسی است و بغور غلامه، میتوان گفت که این نوع اخیر بی سود خود بینهایت «مردمن» بود و نوع ابداً بسیار مفیدست که حین فرداشان میدهد.

بناست اینکه اکثر خوانندگان کوهستان بهخطوط عربی و فارسی آشنانه بوده و چتر میتواند تپ اخیر را با کبریت ما این نوع را در ایران، عراق، دانه و با این درجه توضیح خوانندگانش را آسان میسازیم.

هر کسی هم ازهر جا فریاد زندگیت و شکایت بشناید و تشبیه مانده ماوروسی تا مالم جبری نرشد ما نا بدهی مردم ازورده بچکورد بدین ترتیب پاس و نا بدهی کاملی حاکم - فرسای شود نظوری که دیگر اهمیت و جلالتی نسبت بدو تنها در خود خوانندگان داشت هر کسی میبواهد بر سرکار بیاید هر چه میبواهد بکنند خوبست باید فایده ای بحال مردم ندارد اگر خوبست دوام ملت و مصلحت سی خود اگر بد است فراموشیتر خواهد بود و بهمان نسبت هم ضررش بیشتر میباشد.

تنبیه این اوضاع از این خواهانند که مردم دولت را بغیر از خود دانسته و اگر احیاناً اختیاری برای اوقالی بودند و دستوراتش را اجرا میکنند کم کم بر امینش شرمند آنها هم بدولت تاسی کرده اند، در گوش نشانند و او را مرصانه و ابراهانند.

تقریباً کاردینها کشید جنون دولت هائی چگونه فادش انده بود که اینست را در مملکت حفظ کنند چگونگی خواهد توانست قانون را اجرا کند و در مطول خود داشت تا مجدداً اعتماد مردم بدولت و اروای امور جاب شود.

این رویه ای که نمایندگان مجلس پیشکوتاه و مطالب استی ترحمی نمی کنند و با در سرد داشتن فکر خود خواهند مانع از این هستند که دور هم جمع شده فکری بحال مردم و مملکت بکنند و وقتی رفته این، شتهای رسیده کنونی را هم باور نرود اساساً استقلال مملکت و حیات کشور را دچار خطر میبازند.

خراب کردن کار بینایان آسان است ولی درست کردن آن مشکل است چرا که کشور آمارد و اطراف دولت در میان ارشد که دیگر نوشته نماند. و گوشهائی معلوم است از این حرفها بر سر که از او گوی سؤالی کشید زبان مطلب مهم را در لابلای دانه ملاحظه کردید آید می نماند ملت (!!!) با نهایت خودنوردی میگردند روزنامه بقدری

جریانات هفته گذشته تهران و - مذاکرات و اقدامات میسار در هفته گذشته چند روزی دیگر هم سرگردانی و بلا - تکلیفی مردم و اوضاع کشور است و در طرح برنامه دولت جدید فرست دیگری بدست نمایندگان داد که وقایع اسفناک گذشته و محال را مجدداً یاد آوری کنند باز هم حیل را میدان کار از فرار دهند.

ای کاش از این مذاکرات که از اول دوره چهاردهم هر چند ماه یکبار بشکل جلوه گر شده نتیجه ای گرفته میشود، ای کاش این مشاشرت بیجانی منتهی میشد پس از چند روز سرگردانی و تشنج بالاخره بدست وزیر بر سر کار آورده اند چه روز مطول کرده اند تا در اطراف برنامه در تن آفازشن کنند چند روز هم طول دارد تا توضیحات ایرادات و یا تبیین ها تمام شود.

تازه پس از این جریانات اگر دای اصابی هم بدهند در دین آن مشکوکند قهوه ای روی یا کاشنی و سواق شامت نعت وزیر و وزیران موافقت میکنند و میگردند از این تا حاصل این نعت وزیر یا از جمله «کاشنی» نثار نگذاشته پول مملکت مفید است زیرا عمر تنی رسانه.

عده ای روی کرم و خدمت توانایی از بازاریهای زیادتر آشنه مملکت معاف اند و میگویند باید شش ماه جدی و پشت کاردار را بر سر کار آورد.

این درست هم نبود که با بدیده دیگری توبیخ نشود که شش ماه از شروع کار کابینه بدیده آغاز شده و تا موسمی که ان دولت هم در سطح کادمانه خواهد یافتند و «ان دولت هم بر کار نشاندند بر سر این دولت کابینه» آینه معین من ها نثارار میزند.

در طول این مدت مردم تهران بخوانان مذاکرات مجلس سر نرشد و در ولایات مردم با انتظار مرام دولت مامورین شده استانی هم فرست خودی دارند بر این که که کار خود ادامه دانه بایرند بقدری است با بلال بگیرند و با مرمر آزار دهند.

اخبار داخله

شر قایم بحضور ملوکانه  
صبح روز دو شنبه گذشته آقای علی  
تیمک سابر کبیر چیوری چون در کخ  
آستان بحضور اعلیحضرت هابونی شرفیاب  
شده امتیازنامه خود را تقدیم نمودند.  
دوره شنبه آقای وزیر معارف  
برای اجازه مرخصی در کخ مرمری پیشگاه  
ملوکانه در قیاب شده باندست نشان منتظر  
گردیدند.

آدمیان ژانزال بوز - ژانزال بن  
وگنل استن افسران امریکائی که در  
راه آخیر ایران هنگامی نوبه بودند  
شرفیاب و ژانزال بن یافته نشان مقرر  
گردیدند.

آقای دکتر عباس نفیسی که از طرف  
شیر، نورشید سرخ نامور رسیدگی بجاده  
ژانزال کرسار و دواغه بودند برای مرض  
گزارش شرفیاب شدند.

جشن دروغفارت شوروی  
شبانیت یامان جنگ او روبا پیروزی  
مغایب روز ۱۰ شنبه آقای ماکسیوف  
صابر کبیر شوروی در ایران از آرمیایان  
وزیران روسی از دجل و مارمیف و  
غایبگن سیاسی شاریس دعوت نمودند  
و مجلس جشن برپا بود.

ورود سابر کبیر ترکیه  
آقای کمال کولرولر - ابریک دولت  
ترکیه در افغانستان که مطابقت گیری  
دولت ترکیه در ایران اتفاق شده بودند  
همه روز چوارشنبه بطهران وارد شدند.

گاردای جدید سوسیس  
آقای اندر اداو باوه از طرف دولت  
سوسیس بست گارداد دولت در تهران  
منسوب به روزی است بطهران وارد  
شده اند.

اموال منقول ارتش امریکا  
کمیونی که رسکباز آمانی هابونی با  
معون وزارت خارجه آقای سپیدی معاون  
وزارت راه آقای دکتر سپین میان  
و ذرات دارائی و با حضور نمایندگان  
ارتش امریکا و خزانه داری امریکائی  
و آگرای اموال منقول ارتش امریکائی تشکیل  
شده بود و مذاکرات و معاملات خود را پایان  
داده قرار است در این هفته جلسه نهائی  
تشکیل و گزارش خود را برای تصویب  
هیئت دولت تقدیم دارند.

تشریف فرمائی بیانش علی  
دبروز اعلیحضرت هابونی و طلیبا  
حضرت مولانا وزیر برای بازدید جوهرات  
سلطنت و قسمت های دیگر بایات محاربت  
پاک ملی تشریف فرما شده محفل ورزش  
پاک ملی را از دست فرمودند.

بازگشت هشت اقتصادی ترکیه  
هیئت اقتصادی ترکیه که به منظور  
استحکام روابط بازرگانی و اقتصادی  
ایران و ترکیه بطهران آمده بودند -  
شنبه گذشته به ترکیه مراجعت نمودند.

اعزام هشت بازرسی مالی  
برای رسیدگی بامور مالی کلیه ادارات  
دولتی استان ارومیه (آذربایجان) از طرف  
وزارت دارائی هشتی مرکب از آقایان  
کلیچ هشتی - احمد مولائی - مهندس نهرائی  
و جلیل آذرباشی انتخاب و احکامات  
ماده شده است که بطرف ماورومیت مریت  
بمانند.

با اخیار آقای هریو  
از طرف آقای سپیدی وزیر امور  
خارجه امتیاز آمانی هریو ناهاری در  
مهاجرت به بزرگ دینده داده اند.  
یک جلد کتاب گنتان خطی که در  
پیکرین پیش نوشته و تهیه شده بعنوان  
یادگار از طرف مجلس شورای ملی به

آقای هر و رئیس مجلس میمونان فرانسه  
اهدا گردیدند.  
دو تیرا سال دارنده حق مراسم  
اعضای دتاری اقتصادی بآقای ادوارد  
هریو بدست آمد.  
معاون اداره حقوقی و مطالعات  
اقتصادی  
آقای دکتر حسین ارجمند از طرف  
هیئت مدیره سازمان اقتصادی دولت به  
سمت معسولات اداره حقوقی و مطالعات  
سازمان اقتصادی منصوب گردیدند.

زمین لرزه  
روز شنبه گذشته شیرسید سته  
ژانزال دسیری در کرسار (خوار) روی  
داده و خسارات فراوانی فراهم نمودند.  
بعضی وول گزارش اعلیحضرت تصاویری  
بآقای دکتر مرزبان وزیر بهداشتی اومر  
لازمه صادر فرمودند.

ژانزال هاسکروو شهید بود در  
سودو بیست هزار نفر را ی غلغسان  
نموده است.

تشریف روز جمعه  
صبح روز جمعه افراد حزب عدالت  
در جلوی محله ۱۰۰ - ۱۰۰ باغ نمودند  
پیروزی متغیبتنیک دانه نامی آزادی  
بازداشت شدگان و مغرور نیروهای نظامی  
خارجی را داشتند در چند کمپون نامی  
از افراد حزب پارچه های ایران مشغول  
نیزه بباغ بودند که صدای آذربایجان  
شاه آباد یا آنها نواخته شده و با استفاده از  
آجرهایی که روی دو گاری آسی بود  
همه ای را مجروح و یک نفر نیز قتل  
رسمید.

چنین شایع بود که این همه افراد  
حزب توده و این حمله ای سته  
نموده اند بدستور حزب بود اما حزب  
توده رسماً این الزاماتی صادر و این  
شایع را نذکرده بود.

چون از شماره های  
اولیه نامه کوهستان  
تعداد قیاب باقی  
است برای تکمیل  
دوره روزنامه هرچه  
زودتر شماره هائی  
را که کسر دارید  
اطلاع دهید تا ارسال  
گردد.

از مشترکین محترم  
تقاضا میشود از لحاظ  
کمک به نظم و ترتیب  
آرزیع اگر روزنامه شان  
تسریع لطفاً ما را مطلع  
سازند زیرا هر هفته مرتباً  
روزنامه به آدرس کلیه  
مشترکین به دست داده  
میشود.

است خوب است از راه دیگری به ستاییم برویم اما او کمبودها  
را بالا انداخته گشت

مگر نیدانید که این تنها راهی است که به ستایی میرود  
و جز این راه دیگری نیست چه آهسته زیر لب گفتن این ایلیسیها  
که آندروز برتن قاطبکه هیچکس نینورد امرار دارند چگونه فکر نظر  
را نینبندند

تمرس و وحشت رفتن رفتن در قاهره و سوادش قوت میگرفت گوئی  
سروشنی قوم در پیش دارند و خود نیز آرا در دایرته اند  
یکسریه هرودی آنها از جالی میبرند و صدای یکوش رسیده  
درشکه جی صدای وحشتناک برکنید و درشکه متوقف گشت هراس و  
مدرش خود را در میان گروهی از مردان مسلح اطامه دیدند بگی  
از آنان بپرست و درشکه زدیک شده با دست گریبان خانم کلانند  
را گرفته پشت او را از درشکه بیرون کنید بیچاره در میان پنجاه  
مرد خونخوار زدیک بود بیوشی خود

هراس و تشنگی ملذذ در چنین حالی دید طالعت یاورده می آید خردوا  
به جانب آندرد امکنه تا عاشاری را از چنگال یرحم او بجات دهد اما  
احسوس! یک ضربت در این نقطه بر مغزش وارد آمده و او را از این  
کار بازداشت

هرگونه معلوماتی پیورده بود چه باید کرد و تنها و بی اسلحه  
دو میان گروهی دزد مسلح !!  
پس از اینکه مسافران در درشکه بیرون کشانیده شدند راهزنان  
هرچه آتانه بود غارت کردند هریشی را به گدوخته ای انداختند آن

ترجمه و نگارش آقای منصور هامنواز

«۸» مقاله دزدان  
فصل چهارم  
جدائی

تاریکی شب در یک مینده ابرهای تیره و تار سطح آسمان  
را فرا گرفته بود.  
درشکه آهسته در میان جاده راه میسر بود. لعظه ای چند بدین  
منوال گذشت. آخرین اتمه نیم روشن خورشید در افق از نظر ناپدید  
گشت و تاریکی محض در سراسر دشت سکارامند.  
در این وقت درشکه جوی ابرها را متوقف ساخته برانها را  
روشن نمود پس مجدداً درشکه چرکت در آمد.  
سنگهای کوچک و بونهائی خارود منال اشه لزان فانوسهای  
درشکه منظره ترسناکی بود گرفته بدستی که هر بار خانم کلانند  
خیال می کرد دزدی بروی زمین دراز کشیده در حال جمله است.  
هراسم که بیوسته خود را بی ناک نشان داده بود فلش از دیدن  
متغیر ترسناک راه به لرزه در آمده وحشتی عیبیدر خود احساس میشود  
ناگهان مانند اینک الهامی به او شده باشد اندر فکر کرده بعد رو  
به دوشه جی نوده گشت. او کومو این راه بسیار سنگلاخ و خطرناک



# افسران بخوانند

کوششهای افسران ارتش ایران تازیش از کردی ۱۲۹۹ شورشی  
داری ارتش و نیروی منشی که از استقلال و حیثیت ملی آن داع  
کند بوده ملک تقریباً بطور مملوک اهلوانی اداره میشد رؤسای  
مشیر و تانها ایالات و متنفذین شهرستانها فرمانروای قلمرو خاص  
رانی بودند.

موران صلاح معالی آن توابن و اهل اهل از هرات تاجوز  
است کرد مشرفین و سیاحان اروپایی نام ارتش ایران میتوانستند  
بلاخره بهمت افکار دانشمندان و انجمنهای تحصیل کرده و سیاستمداران  
مهربان دور اندیش و سیاستها چهرهای فروزه و زنگ زده کشور  
اندکی بحرکت آمده باارض فوارسو گراکنش مالیات و برقراری  
نظام مطریبه و اداره مازامستان و بنای ارتش نوین را بنیاد نهاده  
و آموزشگاه های بدن منور بیرون آورده تا نواد و  
سربازان دایر و مبین بران و دانشمندان و جسور را برای  
دفاع اعمرس آزادی و استیمن تربیت نماید.

دروایان کافر اعدا مت عموماً با ملاحه مفرطی استیصال و دهر  
بزرگترین افتخار بد و مفاخر این بود که فرزند دلدش را در بر تان  
ظلم بروداد لشکره آخری در سنجاب، مردانگی و مبین برتی اثر افکرید  
زرگ در کوه میشاور و اودا شو عیت و در اندیشه و با توجه ساله

مراغ حد فنی نام مالیت بد در آمد میل و رضا مدحتون درات  
و بداند و اندویدار بودند هنگام سختی و در مانگی واحد سخط  
و ترض با دادن این بود که بیکر بشه لیار دعا و پال میرسد امان  
و دره و سازمان به پیش بطول بر ارتش که در روزهای سوادسه چشمهر  
بیشه را خیره میباید زاده در برابر شهبام بیگانگان سینه  
سربازان و خدیوا چون بود؛ لاشین سیر بلا شته از خوف و شرافت  
مبین دفاع کند. اثر شرایان بد طالع هجرت که نسی بد نشاند.

مناج و بود به دروات جنگ افران نام در زمانه های  
دگر می بود - در خان و دبیرستان نام و دانشکده افسری و  
دانشکده جنگ جایگاه آموزش پرورش انسانی و در کده بنده از  
پایان تحصیل و اوج اعزام گشته - سربازان را بفریب تیر و حمل  
مشکلات عادت نموده.

سربازخانهای بسیار عالی و باشکاه های باشکوه و تابعیت و  
مهدت دستهای بیاد و سوار و منعم و در رفاه و هوای و در داری و  
غیره غیره با آخرین سیستم جنگی بسزای ارتش جوان ایران از مال  
بشاید و خون جگر سربازان فراهم و وجود آمده بود -  
زنده منشیان و وزیر اعظما در کشته ارتش زنده - شان بودند دست

چند یکلان و اهریماز ایلدیا کلور و اکر دگر گشتهای کشور و با نمان  
بشهرت نه ویر جانده اذرت و آزار هم برین خود را می گفتند کوتاه  
از راهریت تجدید در دره درخشان و با شوکت و با سنان آسانند  
آری باین آرزوها مناسبت - سل کلان مارها صرف نیک نایان و  
عقدت ارتش شد و وزارت آسپین - ارتش روح گویاوست - ارتش  
قوه - ارتش همه چیز منعم است - اقتراح سر است - افسر  
زیرانی و وجالت ملوک گویاوست - افسردمی و مین بر است شمار  
هسکان گشته و از تعلیم و علوم نیت نام افسروارث و در زبان خاص  
و اعظما بود -

مفارتشیکه بنظر روحی بود باشد برار هین تکرم و  
تعظیم بلکه هاران درجه بالاتر و بیشتر است -

روزی فراوش نشی شهریور ۱۳۲۰ ارتش شانشاهی  
ناب کرد که هنوز او امر زبانی دارد که به مپترانه هه امر روسی  
استادش ماند انسانی است که بلاه علاوه بر محاسن ظاهر جسمانی  
کسالات منتری و طهارت و جوانی دارا بود و مدحت و بیگانه ای هفت  
علاقه و محبت و صمیمیت نسیان فرماندهان عالی و جزء و الفروسر و سوار  
باید که مینامدند - ایان و بگریگی و مهربانی و دوستی جایگزین  
العیاذو قرأ من خشکه نظی می گردد - اگر چنین شد ارتش ما خواهد  
نواست عقلمش و بیاد فرمانرا حفظ کند.

# یک هفته دیگر هم گذشته

زبانهاست که شمع نشیدند که ادبوا بصوات  
و وی این سخن هیچ کدام را نشنیده  
مگر این که روزهای که هر مایات با  
آب و تایش را دوج کرده و با با اثر  
واقف تمبر کرده با اندک در روزنامه های

از یکم از این آقایان تحریف بشود آفت  
است که در بد میگردد ا هر سواری که  
شده و و زنامه و اولو این که چند روزها  
تاریخ انتشارش گذشته باشد خواهد داشت  
و با دفتر خواهد خواند و بر تهنه تهنای  
که از و شده بخود میباید ولی هزاران  
عطب اساسی تان مهم جامع سرده و  
معدت نامه اندک تمبر که بران خود افتاده  
شانی که تهنه زحمت خواندش را بخود  
نیده اند.

وقتی و کوله سبانه مات سده مات  
مردمانند بین علاقه با هدا یا با تار داشت  
وضع از این بهتر باشد و س که در داخل  
میلین و کله هه بگرا گز سگرتند آری  
باید انتظار داشت مردم هدیگس را  
بویستند.

خوانی است گسترده هر کس هر چه  
می خواهد می بخورد - بر دفتر کوزه و ش بیشتر  
است بیشتر عاقلش مشد هه از عباس  
مشق مبرهات عالی که میگویند مین  
دزد ناراض است آبان نامروی که  
که سبانا اگر بگفتند دزد می سرخ  
بر شد حالا دیگر جنات خواهد کشید آری  
اگر ناکتند دزد همادگی بی خبری شما  
نخواهد شدند.

مناکرات نغ و بازم نگرا می کشم  
که مشورت آیه هواف و غیبه دان است  
بیده همه است عیده سبانه گانی است  
که برای حفظ مبالغ خود بر برای خدایت نغز

نگارنده افسری را پیشنام و مالها با اودوست و هشتن بود و با کوروسک  
و روش زندگی دانی و سر بازی او کمال منبوق و آکامه گان ان سر شافند قریب  
بپوزاده سالهاست از دانشکده افسری فارغ العیصل شده از هسانل و شکر ۵  
کردستان و چهار باختر فنی منتقل - با لاله سرشاری بخدمت آبرومند بوشکر ۵  
و گلهای مقدسات و ناموس مبینان توکم بگه بر فراری استلال و شک و دانگ  
مشغول گردید - این افسر جوان چون خدمت بومل و جایازی در راه آزا از  
مغایب اولیه هر از برای اسی انجوس افسران میباید خدمت قلیل و کوتاه شده است  
حتی الاوه گویشه و خود جان را فانی نگه میداشته و مرد در اخطایات و خدمت  
درخشاش خرسته سازد. شگفت در این است ا همان عقیده و سبک اولی در مال فامندش  
دنه بدون این که تاغلبان و روزگار تیری در داده باشد - با این که چشم خود  
مشاهده میباید و بر سر مرام او در بیان توده و ارتش خریداری ندارد و نباتات را  
بر خدمت کسب زایر است گوی - بداد ارتش بر داده گری برتری بیده منعم تابع  
مستغیبات زمان و مکنان گشته بیوسته این صلها را عیا میکند - من برای هیبت مهاب  
خام خود و فرزندان افریدم را برای مصالح عالی کشور داند نموده جان شیرین  
را با بیف ناهوده در دایره افرینای شوم و نیز مستدتی از آن نیز برای خود بدیادم  
اغلان - نیز نمود و غایب میباشند - در شهر بود - افراموش نمانی آنچه که لازم است  
طاهر او نمود و مبین پرست است فداکاری نموده هلاشان دادند در قلمرو سربازی

اخیراً مندرج  
در تهنه عالم صلاح انگاشات ذیل از  
تاریخ ۲۵ فروردین ماه دوشنبه منظره  
کردستان و بی است  
۱- اندک شده سعید امانک باشا باغ  
ورشید نام گمانت است  
۲- گشته شدن یک نفر در مابین  
نله  
۳- گشته شدن رشید نام ساکن  
باشا باغ  
۴- قتل یک نفر زانده ام و معروف  
یک نفر دیگر در حلوات آباد  
۵- غارت تهنه قره تیره و تاملش  
سر شیوه

روز ۲۴ اردیبهشت  
شده بود در درستان هدایت سبانه نالی  
و الهیال بصل آمد آری کریم آزار بود  
بدر و غم عدال نایل خطا ای بی بر اهبت  
وروش قرات نموده

براز فقلت  
های لشکر ستوان ۳ وظایه و سیم شرفی  
لیله ۲۴ اردیبهشت زیر او بمیل رفته فوت  
نمود

شب ۱۹ و روز ۲۰ اردیبهشت  
شده در آریا رام بر برای دانشمندی  
آمد

از وضع شرکت مخفیات اظهار هم  
رضایت میشود  
برق - شتر - قوه - روزگار - نیکه

های شخصی مندرجات مردم را با زبانه تراز  
دانند و تا و توفیق دست آرد آن کوتاه  
شود ایندی بهود و اوضاع را بپاید داشت

۶۹

# گرد و گردستان

\* \*

مرکز حکومت ماد کوچک اروپایی بوده یعنی رضاییه کنونی که محل ظهور زردشت و خشنود گرد است.

موریتیندو تشکیل دولت ماندانایان (مادها) همه با یکدیگر دولت آشور بوده و در این فتنه ایبارس و تمام کشور تیرتم و کلیه اکراد ژاکوس و آوارات نیز همه در تحت حکمرانی دولت آشور بوده اند.

پس تیرس را با این وضعیت نیتوان

مجدد دولت مادهاست.

فاما دتو یعنی درینسا اگر هم که در زمان زاکروس - دوم رئیس فتنه ازا کراد زاکروس بوده، در سال ۷۱۵ قبل از میلاد با زاکرون مذکور پادشاه آشور، یکدیگر و ملاتوب شده و شامات تهیه شده است - پس تیرتید دیگر آثار تیرتید یعنی تیرتید مذکور نیست.

پس اورام نیتوان مجدد دولت ماد دانست.

میانه که گوا کاسرو که پادشاهی یکی از این دودخ پادشاهان مجدد دولت ماد بوده باشند.

فاما گوا کاسرو با اینکه همه پست - را و یولاسار حکمران بابلی شاهی بود که آشور داد.

میانه نیتوان انراض دولت آشور را تشکیل دولت ماد با تجدید دولت ماد دانست زیرا که دولت ماد باید پیش از این

واقعه دارای شوکت و اعتبار و تشریفات بوده باشد تا نابریولاسار با او همدم شده باشد و متعاقباً همه آشور برده باشند.

بعلاوه پیش از گوا کاسرو، دودخ یعنی پادشاه ماد بوده و سلطنت بطور درازت بنا بر سینه است پس او هم مجدد دولت ماد شده.

تمامیها که گویاد که در میان روایات متضاده است. مگر در سینه روایات مجدد و ن

اولاً معارض است.

لذا نتیجه میگیریم که مجدد دولت ماد همانطور که تواریخ کرد و یوان و غیره مصرح است همانا شش کیباد که گردیده است و اختلاف در آن بی مبرک و مورد است هر دو هم او را موسس دولت کیان میگویند.

بنام این میگوئیم پس از آنکه ما که ها از دست مشرق یعنی خاور زمین بست شال و شمال غربی کنونی ایران کنونی آمدند و در آنجا سکونت گردیدند در ابتدا پیش نامرد در قرن ۲۱ قبل از میلاد این گروه فرقه فرقه بودند و هر فرقه دارای

پلک تیرسی بود و دست و شال آنها که دارای و در غرباها حرکت کرده اند و تا قرن

نهمین بر سر رضاییه موسس دولت ماد بودند و در این فتنه ایبارس و تمام کشور تیرتم و کلیه اکراد ژاکوس و آوارات نیز همه در تحت حکمرانی دولت آشور بوده اند.

پس تیرس را با این وضعیت نیتوان مجدد دولت مادهاست.

فاما دتو یعنی درینسا اگر هم که در زمان زاکروس - دوم رئیس فتنه ازا کراد زاکروس بوده، در سال ۷۱۵ قبل از میلاد با زاکرون مذکور پادشاه آشور، یکدیگر و ملاتوب شده و شامات تهیه شده است - پس تیرتید دیگر آثار تیرتید یعنی تیرتید مذکور نیست.

پس اورام نیتوان مجدد دولت ماد دانست.

میانه که گوا کاسرو که پادشاهی یکی از این دودخ پادشاهان مجدد دولت ماد بوده باشند.

فاما گوا کاسرو با اینکه همه پست - را و یولاسار حکمران بابلی شاهی بود که آشور داد.

## تاریخ از سفر

ستاد ارتش و رنوش تیرس - اس شورای ملی دوشوت اطلاعات ده نوست کیهان رنوش کوهستان تلگراف اعالی سنی خطاب با بان داتر اردان در شماره ۶ کوهستان اینجانبی ساطع غیر از دودخ کراف نامم با روح - به دادخواست قضایات خود دیگر از تمام اعصابی که همه با شود تکلیف در سال ششم تا هفتم تیرس بوده و تکلیف کاسب به بازی به روح ادوی دارد.

شرف برغانی

در شماره ۶ نامه کوهستان ذکر خوانندگان باطل داشته باشند تلگرافی را که از سفر اعصابی چند نفر رسیده بود در کربم در این تلگراف با اتراس سر کرده بود که براد را به میر انتراز مادر شده و چو به انراض نراشده ماند سرهنگ باند و مسروان خاکسار شده و تمام خانان تلگراف که فوفا درج شده اظهارات یکی از امضا کنندگان است که رسماً تکلیف کرده که چنین تلگرافی را اعصابی است و در اینجانب ادوی خلالت نیتواند از بنه تلگراف کنند. یوان ستاد ارتش تلگراف را شروع نموده فقط متعظ و این روده که ان تلگراف جاب توجه شد در ارتش را نشانی یعنی هارت دیگر ستاد ارتش در ان قسم امور وقت پیشتر بوده است از آیت‌الله ستاد ارتش داد کثرتی نیست فقط نظر امضا کنندگان بوده که در اینکار معلوم تلگرافی داشته اند والا نیتواند در خصوص جرم امضا ستاد ارتش را مناطب قرار دهد و نداشت در حال حاضر که معامل میباید تمام میدان ستاد ارتش هم میداند که چنانچه این نامه ها در چه فراموش و امضا ستاد باستی هم در ان مورد ستاد ارتش داریم فقط خواستیم تذکر دهم درم حاضر نیست پیش از این در باز علم و تاروا برود ملازم به ام بنا به فقط معاصل فلیحه نشود ان تذکر را بدهم.

در تیرس - رضاییه - سفر - میانه ادب - اشنه - رسیده سلام خوبی به که بیچار اگر کشانی مایل به نایتدیگه با مهربانی نامه کوهستان باشند میبایستند قضایای خود را از آدرس نامه کوهستان ارسال دارند.

۲۱ و ۲۲ علیات سیاسی که منجر بر داشتن تشکیل کمیته ای شده است از آنها مذکور نیست.

۲۳ از میلاد ۲۷۰۰ سال مطهر سلطنت سیاسی بوده و بنا مان سومر و آلا و عیلام زرد خورد داشته اند.

معموم میزود که پیش از آن تاریخ گروه ماد با نژاد نسبت بست با نژاد میخورزیم ما میباید که با دیگر آمده اند دارای سلطنت بودند و با نژاد دولت هم میباید بوده اند و با نژاد سلطنت و مازان لغویان مشرق و جدا جدا زاده گانی کرده اند و این گمان اخیر بر این است.

اول مرتبه در قرن ۲۱ و ۲۰ اسم ماد میباید میشود بعد در قرن ۱۳ و ۲۰ میباید که اوس فرایح است حکومت کوچکی باسم حکومت ماد داشته و آشور بیاج سادات است.

سین در قرن ۲۰ و ۲۱ مندرجا اسم ماد در مملکت آشوری شیوع پیدا میکنند که بالاخر در نتیجه فوت فرساش آخرین پادشاه بینهدای (۲۰۰ قبل از میلاد) آشور بکشور ماد و پارس شروع شد و دست و هر دو گروه بناچار شده اند که برای حفظ کشور خود یک سلطنت مشترک را در برابر دولت متحدی آشور تشکیل دهند.

همانطور که گنیم قبایل ماد و پارس در این ایام بحالت تفرقه و مملکت اطروایی بوده اند هر یک دوستی توپان داشته اند و هر قبیله در تحت ریاست حکمداری زندگی کرده اند که اسامی آنها در شاره های ذکر نمی شود.

### گله من از کوهستان

بقیة الصمیمه

چند ماهه در کوهستان اصلاح طلبی و شیرواهی پیدا میکنند که بالا تنها بیابان همجری است نوسه با آنچه ملکای متذکر از اوج اراضی دارایی با حدیسی دیگری که مورد نکات مردم است متشبه در فرورفتن درازای با هر دو از نمانده دیگر داده خود و گریه و غریه با صورت دادمانه بی رویه اطفال نظر هفتص جانی را میسراند.

آقای دکتر از اولان با کمال مذهب و افسه یارده هم که هم آورد نامه کوهستان هسا با این مشغولت امحای تدار و هووی و مان اوهر آن کوشه جمعوا هم ام نام آن معلوم و در کوهستان رویه خود را بیالال پیش گرفته از دست مدمم و در وقت ادرار مطبوحی که بنظر های هفتص روی کار آمده اند را گرد آری اصلاح دادر زیر امروز در هم را هموسی و درون کاری در پیش.

بهرین برود خانه لیدام این قله مراد که خواهد فرموده که گریه کردی و طایفه و جهانی خود را چاره یار یافته و گریه این مطروحه میسر ایشاکه و از این قدر دفتر روزنامه خود بیاید گسار داشته باشد.

میشود اگر منتهی لالی اگر منتهی باشد علاوه بر اینکه درج میشود مورد توجه و تقییم مقرر است بر روی کار صراحتاً نظر ابراهیم خلداری که میگوید چای میشود حل برای تعقیب ریس دارایی اگر شکایاتی هست که منتهی لالی از قریب یافته هسا هم که میگوید منتهی لالی تیره شده درج خواهد شد و اگر هم مدارگی که توانا دیوایر کسی دیگر را تالیب نماید فرستید اقد جمعی خواهد شد.

اما اینکه با ابادات در این منتهج که مود هم رضایت مردم از اصلاح جود طایفه نشود هسنه مطالب منعی لاله نشود برای این است که ما منتهی یک ماسائلی را باید پیش کشید اشکل را دفع کرد آنگاه به مطلق دیگری برداشت مانی است معروف میگفته با یک دست دود ترانه نشود برداشت.

واقع بعضی شکایات افضال که درج میشود هسا با جنایاتی مطلق باید که آن شکایت که نظر هسا افضال رسیده چنین بر آید آن بدمن روزنامه و حل شده و پس از اجازه کردن در صورتی که شکایت منیست لایحه بهر صورت در آمده است و اینکه ترقوم دهنده درای درج سون شکایات واقع میسر دارایی در دست بردار بود و مراد در دوج آن منع خود خلیج بل داهمن روغن تر می پوشیده و اینکه نوشته بود روزنامه کوهستان خوب انعامی نداده اظهار تقیه بکسر ملک لیست هسا باید قضاوت کند و مرور زمان صحت باقیمان اظهار را ثابت می نماید.

### بایه از منغه ۱

خطب کردی

۱- در هر مورد و در جا که میانه دوزخ را بیدار حرف از هدیگر منک نه و این معا و مرزا جی حرف (ه) را نشانه بندیه ساخته: (گولا)، (سپ) و...  
 ۲- عدای پیش با وار نوده میشود مثل (کورد)، (کول) و...  
 ۳- عدای زیر دکره (با ی) نوشته میشود مانده (ویل) (گول) (یژن) و...  
 ۴- (گول) (گول) (گول) (و) و... این را با کاشتن سه نطقه روی ل (و) ذ (و) ... اصولی و (و) صفتی است بایه مثل: مروف (گول) کول و...  
 ۵- عدای (و) را نیز در کردی بانوشته دوج و نشان میدهد مثل: بوچال... و چوکه و...  
 چون از تعقیب اجتناب میشود ذکر این نکات اکتفا بده تفاوتی میسر از نیز که وجود و سبب اهمیت است ضمن مطالعه خود خوانندگان موجه و آنست خواهند شد...

### بایه از منغه ۲

افسران بختی ازاد

تسر و هراس و بیم و ترس و لرزایان نشود و با ازاده اکتان هفتق برادگی هردو اراضی را در جوبل متبران و داشت... در اونوشی که لشکر کردستان تازو میسرانده و تهنجرات کابل آنرا... جمع صام بر سر لشکر و ایس میل بدها و دعا میگر بختند این افسرین که بر نامه می گردان سوه شکست ۲۲ پیاده را داشته تنها خود افران زیر دست و کلب سر ابران گردان و تهنجرات کابل آنرا... جمع صام بر سر لشکر رسانیده بگه دهان بنده فک و مسلسل که ساسان از ترس و بیم جان در حصار ریخته بودند با جدیت و شجاعت زیاد جمعی آدمی کردند بلشکر تحویل داد بجهتین معاملاً چای مقدور و آبریز در پیش که وحش نمودند و آن می بود... متعلقه به بر ملافت اقتدای خود تقدیر و تقویر قریب و جرحه اقتدار نشان و عمل است مورد بی همی نرود... آید... شاره و بوری ادرار و پوست بر آرد و روانه است که تیریش جرمات خاطر رسود دیگری دارد... بنامیت جمع آدمی اسله و خدمت بارش سوسون و باندهایشان وقت را قیبت نموده در در همانوقت اولام دهه جلب کرده و تهران گزیده داشته

مدتی در بایهت سرگردان بود... به اداره دادرسی ایش متلرو پس از اچنی ذوبایل اولادریل سنجند و از دستگیری افران دستبرنامه نمودند... با دانش... بنج لودک در حال وقت... و روز و عبرت و تگمندی آبا آن امسر شورای بی همی و جفا کوربت آستاندار ایش پیش توجه جلازوات همت نظر عالیه داشته و بدون دلیل و برهان و کینه و غلظت و کینه بخت افسران تحصیل کرده و روشنگر و آریان و غیره متبران سزاد... به تهنجرات در دادگاه منکست نرد در جهان ویزدان ثابت گتم که این اسر با زندهت سیدین انام بطور خلیج در دست و زانو و چشمتش هیچگونه منیت دگر بر آرد اما داشته و دست و رو جسم افسران و طایفه و تناس و کوربان و افسر و د بر مرده دارد... دوازشن ایران هم رفیق اطلاعات اساسی علی گردید آنگاه اربابان روانه بودند و در دفته دارای عظمت اقتدار درین خواننده شد... فرما بمان عالی و بی جای کینه و روی و ضرورت افسران که بی حمت خود رستم و اغلب فراز گریز تانده خوب بخواه افسرین از آن گوش دادند و اغلب آثار خود مادی غالب آنها را از تزیینات گرسنه تاملوم کردد این و هم برها و سببها سر امام بی داشته بیفته را در برینته کدور و ازشن میزدند... آیکش سران ازشن و بر گردان منکست صامیده اند و طایفه آنها چیست و برای چه نامیده و مرزا کور و مرتب نامیده شده اند... ای کاش اولیای منکست و معصوماً سران ازشن چه دفته و وقت گرفتاری خودشان را رقم نموده و جهان و خدا را نظر داشته... می دیدند که آبخور و اطرومته و شکفته و در دنی مقلد تر است... بایه که بهتر این است برای خود خود و در ازشن عایت نرود و مملکت را در و ترقیب آموزش و تعلیم افسران و همکاری صمیمانه آمل را در روح هفتد ۱

میشود اگر منتهی لالی اگر منتهی باشد علاوه بر اینکه درج میشود مورد توجه و تقییم مقرر است بر روی کار صراحتاً نظر ابراهیم خلداری که میگوید چای میشود حل برای تعقیب ریس دارایی اگر شکایاتی هست که منتهی لالی از قریب یافته هسا هم که میگوید منتهی لالی تیره شده درج خواهد شد و اگر هم مدارگی که توانا دیوایر کسی دیگر را تالیب نماید فرستید اقد جمعی خواهد شد.

### چاپخانه کشاورزی

دوام شکایت و اصلاح از ریس دارایی هکاشی که دفتر روزنامه میرسه خوانده

### از ستر

آبای بخت الله نصرالهی تاکرانی معابر و شکایات رسیده که پیش از شبر و در ۲۲۰ یکی از اژدار معروف سز بوده تیرج و قایم شیروازی از هفتص ساطع نامه بر طبق شایرت منتهج در ۳۰۳ ۲۳۱ کدستی در سر دشته دارایی اوشن بری و سببی... پوشینش تشکیل و پروانه بن بر کفر فرستاده شد آقای نصرالهی با کمال بر شانی و استیلا ک تماشا نموده خود تر تالیفش مبین نموده

کوهستان - آقای نصرالهی برای اینکه از لشکر افشا نتیجه ای گرفته شود بیشتر آن است استعجابان و شجعت خود را که در اثر جنه انانی هستی از میان رفته و چه اندامی سر دشته دارایی ستر نموده و چه ناشایستی داریده بطور کامل و روشن برای ما بخوبی شنا شده ای که کتحت آن برینده بر سر کفر فرستاده شده برای ما بفرستید تا داور مقرر قیبت نامزم شاید از اجزاء بتوانیم نتیجه ای برسیم

میشود اگر منتهی لالی اگر منتهی باشد علاوه بر اینکه درج میشود مورد توجه و تقییم مقرر است بر روی کار صراحتاً نظر ابراهیم خلداری که میگوید چای میشود حل برای تعقیب ریس دارایی اگر شکایاتی هست که منتهی لالی از قریب یافته هسا هم که میگوید منتهی لالی تیره شده درج خواهد شد و اگر هم مدارگی که توانا دیوایر کسی دیگر را تالیب نماید فرستید اقد جمعی خواهد شد.

اما اینکه با ابادات در این منتهج که مود هم رضایت مردم از اصلاح جود طایفه نشود هسنه مطالب منعی لاله نشود برای این است که ما منتهی یک ماسائلی را باید پیش کشید اشکل را دفع کرد آنگاه به مطلق دیگری برداشت مانی است معروف میگفته با یک دست دود ترانه نشود برداشت.

واقع بعضی شکایات افضال که درج میشود هسا با جنایاتی مطلق باید که آن شکایت که نظر هسا افضال رسیده چنین بر آید آن بدمن روزنامه و حل شده و پس از اجازه کردن در صورتی که شکایت منیست لایحه بهر صورت در آمده است و اینکه ترقوم دهنده درای درج سون شکایات واقع میسر دارایی در دست بردار بود و مراد در دوج آن منع خود خلیج بل داهمن روغن تر می پوشیده و اینکه نوشته بود روزنامه کوهستان خوب انعامی نداده اظهار تقیه بکسر ملک لیست هسا باید قضاوت کند و مرور زمان صحت باقیمان اظهار را ثابت می نماید.

دوام شکایت و اصلاح از ریس دارایی هکاشی که دفتر روزنامه میرسه خوانده

### چاپخانه کشاورزی

دوام شکایت و اصلاح از ریس دارایی هکاشی که دفتر روزنامه میرسه خوانده

### نامه ها و تلگرافات وارده

#### آزمهاران

آقای قاسم میرد می نویسد: انتشار نامه کوهستان در نوامی گردنشین تأثیر فوق العاده ای بخشید، این ملت مستزید که هیچگاه اجازه نداشت نام کرگزار در روی کاغذ نوشته و با یا صدای بلند بخواند اکنون با شوق و شرف فراوان نام علم خود را استقبال نموده و بی امیداران گشته اند که سنجیده بیون هر چه ملاحظه با و معارضه مصلاب خود را بسع اولی دولت می رسانند.

#### آرژستان

فهرس رضای اهالی جماعت مسجد مرحوم محمد کریم دانی و اساتید که برای ما بنویسند که آفرینان سعادت نوده و زانما نوده اند ما شخصی که مو جابین خرا و هاست ندر که دم که در معدن جران براید ، اظهار نودمانه ستاده و بخارند کک کاند تا سعید دوباریم معمر گردد و مردم بتوانند مراسم منشی در آرد آن از ما انگشته این شایک تقاضای شود سویت مطلب را آطور که هست برای ما بنویسند که آفرین سعید نوده نامه دارد با پیوسته و بیجا از شخصی نوشته است با ت خرابی آن کرده و اگر لازم باشد تصویر از این سعید میل آید از پیوسته میکی استامد نود؟

#### آرژستان

نامه کوهستان در هر کچه انضامی امری صورت مسجد با پیوسته آورده و از اهلاء کنگران ناما میکنیم نام خود را صریحاً بنویسند که اثر لازم شد بتوانیم با آنها مکاتبه کنیم اگر چنانچه نتوانند استمان هم ذکر شود اطمینان داشته باشد که معظوظ خواهد ماند.

#### از سنندج

آقای منعم حسامی می نویسد : طالع آن جریده شریفه را که در واقع برای آزاد مالت اویب گرد پنهان و پنهان رده ای ختون بر طرف منگک از برای جامه گرد بفلوت میباشد از صمیم قلب تبریکه که از برای توانا خواستارم آن نامه و ترجمان حال گرد با نامه بوده از نوایب و حوادث روز گزار معون باشد.

#### از قورگان

آقای نصرت افه اردلان می نویسد انتشار نامه سودمندترین کوهستان باعث اظهار مسرت گردیده و اظهار نامه که نشانه راست گفتار بیش در آن چند شماره بخوبی هویداست عامل ندما ت سودمند و برپه نای برای این کشور آشته شده دیگر نویسنده گان معظم را سر به نیت گویی وطن برتن هایت نموده راه و رسد از دست رفته رباب دیگر بدات شسته بدین سان می آموزد.

#### از ییچار

آقای سید احمد حسین پنجه علی تلگرافی مبارزه نموده بنویسد : تبریکات صمیمانه خود را از انتشار آن نامه گرمی که باعث انتشار همین برست این سامان میباشد بدین وسیله عرض می نمایم

#### از سنندج

آقای جلال الدین صادقی بنویسند طالع کرگوب درختان نامه فلسفی - کوهستان دوافع مطبوعات ایران باعث خودنویسی و مسرت صوم گردید از اید مدال خواستاریم که با کرگان نامه کوهستان را در انجام این خدمت ملی موفق بنماید.

### صفحات نامه

#### کوهستان برای درج

آقای یان میفرماید یکی از طرف خود سوار بر اژدها بلیش می نویسد انتشار نامه کوهستان اظهار مسرت نموده اند

#### شکایات شما باز

آقای ابوبکر ایمانی زاده تحت عنوان : « تهنیت بر نامه کوهستان » می نویسد : از بارسلون مزمه خواند یک روز نامه که با ائمه و بزرگو خود تابه نامان کرد نشین را روشن تابه و سرسراگر کردستان طنین اندازد و واحد افراد گرد با صبری و تهجیل اظهار انتشار آنرا داشتند نامه کوهستان با چراغ هدایت و با نامحور راهنمای ختنی کرد بشاهر اسماست تمام سرزمین کرد نشین را مانند روز روشن و دور و پیشانی را که کوهستان را تعارف و برادگان گرد عمل می نوزده بودند از توفیق با پیوسته راستی های کوهستان دیدند از دینت نکرد سرخ و آب از تنگ در حجازات و مطالب شریفه شسته نیت بود و زو نامه کوهستان در خشت سیاه بزرگ بر مری است که خسته شد گان گرمای تابستان بیخه و بیخه و چشمه غنکی است که تنگنای راه مدلت را از آب گوارایش سراسر ایک تونیک دستگانه و ک نوار است که چراغ یک تایی یعنی در کوهستان کشیده است و هر هر یک آن مانند یک نوشته است که برای سعادت و خوشبختی کردها

#### شکایات شما باز

آقای ابوبکر ایمانی زاده تحت عنوان : « تهنیت بر نامه کوهستان » می نویسد : از بارسلون مزمه خواند یک روز نامه که با ائمه و بزرگو خود تابه نامان کرد نشین را روشن تابه و سرسراگر کردستان طنین اندازد و واحد افراد گرد با صبری و تهجیل اظهار انتشار آنرا داشتند نامه کوهستان با چراغ هدایت و با نامحور راهنمای ختنی کرد بشاهر اسماست تمام سرزمین کرد نشین را مانند روز روشن و دور و پیشانی را که کوهستان را تعارف و برادگان گرد عمل می نوزده بودند از توفیق با پیوسته راستی های کوهستان دیدند از دینت نکرد سرخ و آب از تنگ در حجازات و مطالب شریفه شسته نیت بود و زو نامه کوهستان در خشت سیاه بزرگ بر مری است که خسته شد گان گرمای تابستان بیخه و بیخه و چشمه غنکی است که تنگنای راه مدلت را از آب گوارایش سراسر ایک تونیک دستگانه و ک نوار است که چراغ یک تایی یعنی در کوهستان کشیده است و هر هر یک آن مانند یک نوشته است که برای سعادت و خوشبختی کردها

#### شکایات شما باز

آقای ابوبکر ایمانی زاده تحت عنوان : « تهنیت بر نامه کوهستان » می نویسد : از بارسلون مزمه خواند یک روز نامه که با ائمه و بزرگو خود تابه نامان کرد نشین را روشن تابه و سرسراگر کردستان طنین اندازد و واحد افراد گرد با صبری و تهجیل اظهار انتشار آنرا داشتند نامه کوهستان با چراغ هدایت و با نامحور راهنمای ختنی کرد بشاهر اسماست تمام سرزمین کرد نشین را مانند روز روشن و دور و پیشانی را که کوهستان را تعارف و برادگان گرد عمل می نوزده بودند از توفیق با پیوسته راستی های کوهستان دیدند از دینت نکرد سرخ و آب از تنگ در حجازات و مطالب شریفه شسته نیت بود و زو نامه کوهستان در خشت سیاه بزرگ بر مری است که خسته شد گان گرمای تابستان بیخه و بیخه و چشمه غنکی است که تنگنای راه مدلت را از آب گوارایش سراسر ایک تونیک دستگانه و ک نوار است که چراغ یک تایی یعنی در کوهستان کشیده است و هر هر یک آن مانند یک نوشته است که برای سعادت و خوشبختی کردها

#### شکایات شما باز

آقای ابوبکر ایمانی زاده تحت عنوان : « تهنیت بر نامه کوهستان » می نویسد : از بارسلون مزمه خواند یک روز نامه که با ائمه و بزرگو خود تابه نامان کرد نشین را روشن تابه و سرسراگر کردستان طنین اندازد و واحد افراد گرد با صبری و تهجیل اظهار انتشار آنرا داشتند نامه کوهستان با چراغ هدایت و با نامحور راهنمای ختنی کرد بشاهر اسماست تمام سرزمین کرد نشین را مانند روز روشن و دور و پیشانی را که کوهستان را تعارف و برادگان گرد عمل می نوزده بودند از توفیق با پیوسته راستی های کوهستان دیدند از دینت نکرد سرخ و آب از تنگ در حجازات و مطالب شریفه شسته نیت بود و زو نامه کوهستان در خشت سیاه بزرگ بر مری است که خسته شد گان گرمای تابستان بیخه و بیخه و چشمه غنکی است که تنگنای راه مدلت را از آب گوارایش سراسر ایک تونیک دستگانه و ک نوار است که چراغ یک تایی یعنی در کوهستان کشیده است و هر هر یک آن مانند یک نوشته است که برای سعادت و خوشبختی کردها

#### شکایات شما باز

آقای ابوبکر ایمانی زاده تحت عنوان : « تهنیت بر نامه کوهستان » می نویسد : از بارسلون مزمه خواند یک روز نامه که با ائمه و بزرگو خود تابه نامان کرد نشین را روشن تابه و سرسراگر کردستان طنین اندازد و واحد افراد گرد با صبری و تهجیل اظهار انتشار آنرا داشتند نامه کوهستان با چراغ هدایت و با نامحور راهنمای ختنی کرد بشاهر اسماست تمام سرزمین کرد نشین را مانند روز روشن و دور و پیشانی را که کوهستان را تعارف و برادگان گرد عمل می نوزده بودند از توفیق با پیوسته راستی های کوهستان دیدند از دینت نکرد سرخ و آب از تنگ در حجازات و مطالب شریفه شسته نیت بود و زو نامه کوهستان در خشت سیاه بزرگ بر مری است که خسته شد گان گرمای تابستان بیخه و بیخه و چشمه غنکی است که تنگنای راه مدلت را از آب گوارایش سراسر ایک تونیک دستگانه و ک نوار است که چراغ یک تایی یعنی در کوهستان کشیده است و هر هر یک آن مانند یک نوشته است که برای سعادت و خوشبختی کردها

#### شکایات شما باز

آقای ابوبکر ایمانی زاده تحت عنوان : « تهنیت بر نامه کوهستان » می نویسد : از بارسلون مزمه خواند یک روز نامه که با ائمه و بزرگو خود تابه نامان کرد نشین را روشن تابه و سرسراگر کردستان طنین اندازد و واحد افراد گرد با صبری و تهجیل اظهار انتشار آنرا داشتند نامه کوهستان با چراغ هدایت و با نامحور راهنمای ختنی کرد بشاهر اسماست تمام سرزمین کرد نشین را مانند روز روشن و دور و پیشانی را که کوهستان را تعارف و برادگان گرد عمل می نوزده بودند از توفیق با پیوسته راستی های کوهستان دیدند از دینت نکرد سرخ و آب از تنگ در حجازات و مطالب شریفه شسته نیت بود و زو نامه کوهستان در خشت سیاه بزرگ بر مری است که خسته شد گان گرمای تابستان بیخه و بیخه و چشمه غنکی است که تنگنای راه مدلت را از آب گوارایش سراسر ایک تونیک دستگانه و ک نوار است که چراغ یک تایی یعنی در کوهستان کشیده است و هر هر یک آن مانند یک نوشته است که برای سعادت و خوشبختی کردها

#### شکایات شما باز

آقای ابوبکر ایمانی زاده تحت عنوان : « تهنیت بر نامه کوهستان » می نویسد : از بارسلون مزمه خواند یک روز نامه که با ائمه و بزرگو خود تابه نامان کرد نشین را روشن تابه و سرسراگر کردستان طنین اندازد و واحد افراد گرد با صبری و تهجیل اظهار انتشار آنرا داشتند نامه کوهستان با چراغ هدایت و با نامحور راهنمای ختنی کرد بشاهر اسماست تمام سرزمین کرد نشین را مانند روز روشن و دور و پیشانی را که کوهستان را تعارف و برادگان گرد عمل می نوزده بودند از توفیق با پیوسته راستی های کوهستان دیدند از دینت نکرد سرخ و آب از تنگ در حجازات و مطالب شریفه شسته نیت بود و زو نامه کوهستان در خشت سیاه بزرگ بر مری است که خسته شد گان گرمای تابستان بیخه و بیخه و چشمه غنکی است که تنگنای راه مدلت را از آب گوارایش سراسر ایک تونیک دستگانه و ک نوار است که چراغ یک تایی یعنی در کوهستان کشیده است و هر هر یک آن مانند یک نوشته است که برای سعادت و خوشبختی کردها

از سینه ج.ع.

## جواب انگراف گروم

جناب آقای مدیر محترم  
ناامه کوهستان

از آنکه حقایق قابل خبلی مدورت می شود. همیشه بدای در بیجا بافت میشود که همیشه می دارت به باغاف. و تکرار لغت خون تسق و قوم چیزهای نویسد و بگوید. در واقع میخواند شورتی کس کند. ۳۰ دیالیز ۳۰۰ تکرارات شکایت آمیزی بزرگ بخاربر کرده خود را مود. تودیه شایر کردستان معرفی کردید. امروز هم میگویند غامد کوهستان درین آگس راه محبوبت ندارد ۱۲ یا خود خاطر نمایای شوری و دور مایه.

کسی است سؤال کند چارمگر منظره مرزی است؟ مگر مرکز باگان ایامندان معاربه بوده. مگر شما نظارتی در معیاری کردستان داشته اید؟

این آثار را برای دفاع از سرب میوه شده اند و او سرنگد باید در محرم سرب را بر می خیزد. انشاء کند که این تکرار گروم هنوز نبداد تدهیج نوعی انتقام برای تصرف باغ احرار شد حتی بناهای عشار هم تاسی حاصل گردید. قط در بین هنگ ژال و سرحد عراق حیات تاریخی شت سانه

از طرف تانک چیان آفرید شد کدهه هشتاد بیارته خود و وسایل را بنام عراق رساند تاسره سرحد اما هوو حضا ما که در اطراف این حدیث گوش هالو اگر کردیم نبود و پس

اصل موضوع که بهر آنکه می خاوه دادند بر ای در یافت تا. و مخالف با مالده جنگی. ما نه هاشی حکمتی نه که معمولا قضا معاندر رنگ. و سالی وقت تبه تدارک می ریزند تا بهتر از آن بیخوردار شوند تا هر کس را بخواند بعد بر حیا اسلحه مقاومت تا شایر. بیکنی با فلان کس مورد عتاب اید هفت.

اگر سنا تبه سرنگد. باند خود را گرو می مده اند و شامه مدین جیت اوار دهام می کشید خوب بود از او سزای میکردند.

عزیزان که به سانه مال ناروا آمده هز ان لیه من التالیف مده اند در کام آیین مردانگی نوشته شده که تسلیمندگان و شایسته کن می اسلحه آن ها را کتبت و افکار آن را تا تبه در زمان برده فرقه دند در حالی که خود شارا در زندان کردستان حمال سرباز مغانه کسند و تکرار ذلتن در بیعت نه تا دو نفرشان مرده پایه لغت هوو بران بر اردند!

خوب بود از او مبریدند چه علت داشت با وجود این که فرماغه لشکر کردستان در هنگام اضطرار پنهان جیب

از مهاباد

## بک جراب پروزنانه کیوان

در دو شب. گذشته از نظر کلیات مطالبی نوشته و نتوانستم جزئیات برداشته جو ابروز نامه کیوان را در موضوع استقلال آرد بنهیم بلکه مشاوران و مهندسان که مایل بر ابروسیدگی و تعیین بنسب و مضایعات است و گذار کردیم.

چون مقالات شده در جواب پروزنانه نامه کیوان پداتر نامه کوهستان رسیده نتوانیم آنها را تالیف بشماریم برای نمونه اثر از یکی از مقالات واردند و این مخصوص را که بلم آقای هاشم خلیلزاده نگارش یافته در خلاص می کنیم.

سنتاول مقاله که از ۳۰-۳۰ تن هم جازومی بود وحله مستقیم نگارنده به شخص آقای اعصاری و نهایه ایشان بودود نشدنیست که خلاص میگردد گفت آخر نامه و شود ای از احصاسات آکردار ایرانی میباشد:

«... من پسر کرد برای حفظ این خاک که مهد نیان است جهان بکف دادم و مانند شیر زبان بیکر هران خود را هدف کزانه دشمن فراریدم هر ازاده که در موزیم کدهای بکنشور بر ایران آزان کرد و کرد آزان ایران است و سلطنت ایران را از آن خود میدانم. حینتا راست گفته اند بزرگی بقا است که سال اول بکنشور شایر آقای مدیر محترم روزنامه کیوان که وظیفه گرازیار گوش دارد سیاستی بعضی این که بکنشور که افکار دعوای از خون ابتدایی و مزایای ملی بیخوردار گردد شما سوار مکرر. امام کسینه افکار بید و مفرغ نمود شده آرا بری افراد کرد تکلیف در آبرو میخوانند مقالات و مضایعات شماره ای اول و ششم مناعت در روزنامه کوهستان را که زبان حال اول کرد ایران است بدایت معافه کرده تا عطف به ما ملت اعیل کرد از بیا کترین زیاد ماندم. برای مرزوم خود از هیچکس و جابجایی بیخ نادریم و بکانه و نژاد هاشم فرزند هوشجوی قلندر و زمین فروش گوش دادند ما جان داریم. می نای است برای حفظ ناس و استقلال ایران و گرفتن خون اجامی. استنده از برای ملر خود می توانیم ما زاده ان تک با شیب در کسرتان مقدم سران ایران باید جان سوزیم و بدون تعاریف بشغیم که بر این دست مفرضه بیگانگی نایای و بیورث ایرانی در آغوشه از خود و سایر برداران وضع و کوتاه نالمیم.

آری پسر کردیوم حق حیات شرفنامه دادم. مگر با اقتدار را بر زدن گوی رنگ و عار ترجیح میدهم. از نیت و علم جیانی دیگران نه گریزانم و نه شاه خالی میبندم و دست بر میازم زیرا دوره نیست است و دنیا تالی می بری نقد منوط طیت آرا از می نایای خود گرفته نامه تا بخاطر هر یک دهه خواران از نیت دیگران و روح ابتدایی خود دفاع کند که استقلال این پیش کشیده اند.

تنگه باد بر شما که آزادی فکر و رقم و آالت فلان و اسامع حال ملت ایران فراداده و کادت کرد و عجم را بر خ ان ملت سرنده کشیده آزان و این بنام دلسوزی نیشه فریاد ایران نیز بنید

مهاباد - هاشم خلیلزاده

۱۳۷۷/۴/۱۳  
۶۴۶۲۸

## آقای مدیر محترم روزنامه کوهستان

عطف به شرحات شماره ۱۳ آن نامه ملر در وقت دلعت کردن نروس. ما هاشم را در یکی ده ماسد بتدر لازم برای دستگیری و سرک وی سارتین بپسنگ زان امری شرح صادر گردید فرماده از اداری کل کشور سرتیب خسرو پناه اللب اوقات انقائ میانه در نامه کوهستان مطالب یا وادتی را تسکر دعیم این تکرار ما فقط اولها آگاه است اولیام امور و ادارات مسئول است و با اینگونه تکرار میخواند توجه آسان را با این جابجایی و از ایزراه در موشن که بر بدین داونده حکماری کرده سس تمام بدین وسیله تاسی که سکر است از ملر و جو رو بیا گرا در اشیا مکن از اشیا که گروهی از ما وین برای حفظ منم فرود میهند و گری کنیم انتظار داریم هسانطور کما سوما در روشن نبودن حقایق و وجود اوضاع میگویند اولیای مسئول هم باین معیبت ما و حیثیت و بی غرضی نوشته های ما و افان بود سنی کند مایب مرتفع گردد

خود را برای شایر فرستاد که فروا بستند حرکت کشید و دستور تکرار می داد شما از جاده نرسی بین زلفه و پاره خود را گریس و سازه شبانه از آنجا بستند حرکت کردید.

مگر محتویات انومیل جیب خیلی بود که میبایست در بیار قدری تخلیه شود!

آقایان میبایست که تا گران نوشته های نامه کوهستان را در می کشید خوب از خود بار بار وضع زندگی سربازان مترقی نیز میفرمایند. استقامتی بود تا میبایست به ابرس - خوراک و مریضی سقوی آنان را چه سیردی و خود شارا در دعوات مردم چه نقدی می نای و آب کزانه است.

خانان اردلان سقوی هسم مانند شما تکرار ای شاه کرده و نوشه هاشمی نویسد نامه کوهستان را تکلیف کردیم نیز تمسک عاقبت ساده لوحی شامه بسز خوش قلم در چهار کردیم بیچاره آنتین در کجوش زمانه زدهای برون ملاقات است و وجود این که نه حرمی برای ارم و نموده به کدهای رای داده فقط یک اشاره فرماغه لشکر با این روز چهار کت است.

و اما باید گفت خداوند شفا را در دوز سزایا زدن پایه چنین فرماغه لشکر نه تک دارد بی غرض منظور حراست فرمایند!